

دکتر رابرت ای. پترسون، مکاشفه و کتاب مقدس

جلسه ۱۴، مکاشفه ویژه در عهد جدید، کتاب مقدس، متون

کلیدی، مرقس ۱۲:۳۵-۳۷، و یوحنا ۱۰:۳۵

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۵ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد مکاشفه و کتاب مقدس. این جلسه ۱۴، مکاشفه ویژه در عهد جدید، کتاب مقدس. متون کلیدی، مرقس ۱۲:۳۵-۳۷، و یوحنا ۱۰:۳۵ است.

بیاید دعا کنیم. پدر مهربان، از تو سپاسگزاریم که تو خدای سخنگو هستی، که کلام خود را به طور خاص برای ما بیان کرده‌ای. بدون کلام مکتوب خدا، چقدر در تاریکی بودیم! ما را برکت ده تا آنچه را که کلام درباره خود می‌گوید و آنچه دیگران در مورد آن فکر کرده‌اند، مطالعه کنیم. ما را در حقیقت خود هدایت کن. ما را تشویق کن، دعا می‌کنیم. به نام عیسی، آمین.

ما با وحی عمومی در خلقت، در وجدان، در تاریخ کار کرده‌ایم. ما در مورد وحی خاص در عهد عتیق و جدید صحبت کرده‌ایم، و سپس بر وحی خاص به عنوان تجسم در عهد جدید تمرکز کرده‌ایم.

و اکنون، برای بقیه عمرمان، ما بر شناخت خدا از طریق کتاب مقدس و وحی ویژه در کلام مکتوب خدا کار می‌کنیم. یکی از اشکال ضروری وحی ویژه، کتاب مقدس است. این کتاب منبع دانش ما از سایر اشکال وحی است، تاریخ وحی ویژه را ثبت می‌کند و از همه مهمتر، درباره عشق، زندگی، مرگ، رستاخیز و بازگشت عیسی به ما می‌گوید.

ما مطالعه‌ی کتاب مقدس به عنوان وحی را با بررسی پنج متن کلیدی آغاز می‌کنیم و من فقط به آنها اشاره خواهم کرد. مرقس ۱۲:۳۵-۳۷ و یوحنا ۱۰:۳۵.

کتاب مقدس را نمی‌توان نقض کرد. اول قرن‌های ۱۴:۳۷ و ۳۸، و سپس دو متن مشهور در مورد کتاب مقدس، دوم تیموتائوس ۱۴:۳-۱۷ و دوم پطرس ۱:۱۶-۲۱.

از آنجایی که مرقس ۱۲ بر اساس مزمور ۱۱۰ است، بیاید ابتدا به آنجا پردازیم. شکی نیست که مزامیر از عیسی صحبت می‌کنند، اما نحوه انجام این کار به راحتی قابل تشخیص نیست. گاهی اوقات داوود یا نویسندگان، مزامیر، یک نمونه، یک پیشگویی در شخصیت خود از مسیح است که قرار است بیاید. گاهی اوقات جملات بندها یا عباراتی در مزامیر در عهد جدید به عنوان یک پیشگویی برای توصیف زندگی عیسی استفاده می‌شوند.

البته همه اینها مشروع است. من آن را زیر سوال نمی‌برم. من فقط می‌گویم که اینجا تنوع وجود دارد.

گاهی اوقات، مزمورنویس یک رنج کشیده است، یک رنج کشیده‌ی درستکار، و عهد جدید به ما می‌گوید که نحوه‌ی نمایش این موضوع در تصویر کلی کتاب مقدس به این صورت است که آن رنج کشیده‌ی درستکار تصویری از خداوند عیسی مسیح، رنج کشیده‌ی درستکار، است. مزامیر مسیحایی وجود دارد، اما تعداد بسیار کمی از آنها مزامیر صرفاً مسیحایی هستند. اگرچه این موضوع قابل بحث است، اما نظر من و برخی از محققان. محترم عهد عتیق که من از آنها حمایت می‌کنم این است که مزمور ۱۱۰ چنین مزموری است، مزمور داوود.

خداوند به خداوند من می‌گوید، در دست راست من بنشین تا دشمنان را زیر پای تو اندازم. خداوند عصای قدرت تو را از صهیون می‌فرستد - در میان دشمنان حکومت کن.

قوم تو در روز قدرت تو، خود را آزادانه در لباس‌های مقدس تقدیم خواهند کرد. از رحم صبح، شب‌نم جوانی تو از آن تو خواهد بود. خداوند قسم خورده است و نظر خود را تغییر نخواهد داد.

تو تا ابد کاهن هستی، به رتبه ملک‌یصدق. خداوند در دست راست توست. او در روز غضب خود پادشاهان را خرد خواهد کرد.

او در میان ملت‌ها داوری خواهد کرد و آنها را از اجساد پر خواهد ساخت. او سران را بر روی زمین پهناور خرد خواهد کرد. او از نهر کنار جاده خواهد نوشید.

بنابراین، او سر خود را بالا خواهد گرفت. این واقعیت که این مزمور از داوود است، با پیشرفت امور اهمیت پیدا می‌کند. عهد جدید نیز مانند عنوان مزمور، آن را به همین عنوان معرفی می‌کند.

خداوند به پروردگار من می‌گوید. دو کلمه متفاوت برای خدا استفاده شده است. خداوند با حروف بزرگ خداوند، یهوه است، نام عهد خدا در عهد عتیق، تترآگرامتون، که فقط و همیشه برای خود خدا استفاده می‌شود.

خداوند اینجاست، آدونای. خداوند اینجاست آدونای. نحوه‌ی وقوع این امر به گونه‌ای است که بین خداوند یهوه و خداوند آدونای تمایز وجود دارد.

واژه آدونای گاهی برای فرشتگان و انسان‌ها، اربابان انسانی چنانکه بودند، و اربابان فرشته‌ای، و نه برای خود خدا به کار می‌رود، اگرچه در این متن برای خود خدا نیز به کار می‌رود. خداوند به پروردگار من می‌گوید، در دست راست من بنشین تا دشمنانت را زیر پای تو اندازم. یهوه به پروردگار داوود می‌گوید، در دست راست من بنشین.

خداوند بدین گونه پروردگار داوود را دعوت می‌کند؛ بیش از آنکه دعوت کند، به او می‌گوید و به او فرمان می‌دهد که در دست راست او بنشیند. آنجا جایگاه بزرگترین افتخار و اقتدار در جهان است تا زمانی که دشمنانت را زیر پایت قرار دهم و دشمنانت را شکست دهم.

کتیبه‌های باستانی و غیره تصاویر پادشاهانی را نشان می‌دهند که پاهایشان روی سر پادشاهان دیگر است و شکی در مورد معنی آن وجود ندارد. در دست راست من بنشین تا دشمنانت را شکست دهم. مشکل این است که، همانطور که عنوان مزمور و عهد جدید هر دو به مزمور داوود گواهی می‌دهند، زیرا هر اسرائیلی دیگری در پادشاهی، در پادشاهی جنوبی یهودا، دو ارباب خواهد داشت، خدا در آسمان، یهوه، و یهوشع، یهوشع، یهوشع، و پادشاه، داوود.

اما از آنجایی که داوود نویسنده‌ی مزمور است، فقط یک پادشاه دارد و آن خدا در آسمان است. او هیچ پادشاهی بر روی زمین ندارد. اما این مزمور می‌گوید که او دو پادشاه دارد، که حتی قبل از تفسیر عیسی از آن حداقل عجیب و حداکثر قابل تأمل است که داوود دو خدای الهی دارد.

و یهوه، یهوه، یهوه، یهوه به خداوند داوود دستور می‌دهد که در دست راست او، جایگاه عزت و اقتدار، ظاهراً جایگاه برابری با خدا، بنشیند. خداوند، یهوه، دوباره، عصای قدرتمند تو را از صهیون می‌فرستد. خدا به نمایندگی از خداوند داوود عمل می‌کند.

در میان دشمنان حکومت کن. قوم تو در روز قدرت تو، آزادانه خود را با لباس‌های مقدس تقدیم خواهند کرد. این جنگ است، و خداوند داوود از سربازان تازه نفسی که از جانب او بجنگند، بی‌نصیب نیست.

مردم با میل و رغبت از جانب او می‌جنگند. از رحم صبح، شب‌نم جوانی تو از آن تو خواهد بود. این متنی مورد بحث است و دو احتمال به دست آمده است.

یکی اینکه خداوندگار داوود، یهوشع خداوند، که همان معنای سطرهایی را که خواندیم تکرار می‌کند. از رحم صبح، شب‌نم جوانی تو، یعنی مردان جوانی که داوطلب نبرد می‌شوند، از آن تو خواهد بود. از همان آغاز روز تعداد داوطلبان برای جنگیدن به نمایندگی از خداوند داوود به بی‌شماری شب‌نم‌هایی است که صبح زود، هنگام طلوع و غروب خورشید، بر چمن می‌درخشند.

از رحم صبح، از آغاز صبح، شب‌نم جوانان داوطلب تو، داوطلبان جوان، از آن تو خواهد بود. بدین ترتیب گفته بود تکرار می‌کند. مردم تو خود را آزادانه تقدیم خواهند کرد A آنچه را که 3

یک ترجمه احتمالی دیگر این است که، از رحم صبح، شب‌نم جوانی شخصی شما از آن شما خواهد بود. تفسیر مورد بحث است، اما معنی، هر دو معنی در خود مزمور آمده است. بنابراین، واقعاً برای الهیات مشکلی نیست.

یا ۳ب، من آن را ۳الف می‌نامم، ۳الف را تکرار می‌کند، یا ۳ب ۷ را پیش‌بینی می‌کند. ضمناً، او از نهر خواهد نوشید. بنابراین، سرش را بالا خواهد گرفت. این به یک گاتورید در نیمه‌ی بازی اشاره دارد، اگر بخواهید، از پروردگار داوود در نبردش علیه دشمنانش حمایت می‌کند. این از نظر معنایی مشابه این است: از همان آغاز روز و نبرد، شب‌نم جوانی شما از آن شما خواهد بود.

شما در مبارزه با دشمنانتان از انرژی و تدبیر کافی برخوردار خواهید بود. بنابراین، یا ۳ب معنای ۳الف را تکرار می‌کند یا معنای ۷ را پیش‌بینی می‌کند. هر دو درست هستند. بنابراین، مرا به خاطر شانه خالی کردن از بحث ببخشید، اما این برای الهیات مهم نیست.

مفسران عهد عتیق به بحث در مورد این موضوع ادامه خواهند داد. خداوند سوگند یاد کرده است، من این را به عنوان شروع پاراگراف دوم یا اگر بخواهید، مصرع دوم در نظر می‌گیرم، زیرا این دومین گفته الهی است. خداوند سوگند یاد کرده است، آیه ۱ به پروردگار من می‌گوید، و سپس سخنرانی را ایراد می‌کند.

در اینجا، خداوند سوگند یاد کرده و نظرش را تغییر نخواهد داد، و سپس کلام الهی را بیان می‌کند. هر دوی این موارد، ۱ و ۴، دارای مقدمه، فرمول مقدماتی برای یک وحی الهی و کلام مستقیم خداوند هستند. این بار، به همان اندازه که مورد اول تعجب‌آور است، خداوند سوگند یاد کرده و نظرش را تغییر نخواهد داد.

تو، ای خداوند داوود، تا ابد کاهن هستی، از رتبه ملک‌یصدق. او، این غیر واقعی است. خداوند داوود به عنوان یک حاکم، به عنوان یک پادشاه، در دست راست خدا نشسته است.

او همانطور که آیات ۲ و ۳ نشان می‌دهند، یک پادشاه جنگجو است، اما حالا او یک کاهن هم هست؟ این باور نکردنی است. کاهنان و پادشاهان در عهد عتیق از هم جدا نگه داشته شده‌اند. علاوه بر این، او برای همیشه کاهن است.

این غیرممکن است. پسران هارون کاهن هستند و وقتی یکی می‌میرد، دیگری جای او را می‌گیرد. و اینجاست که شوک واقعی وارد می‌شود.

تو تا ابد کاهن پس از رتبه‌ی ملک‌یصدق هستی. چی؟ به غیر از این، چیزی به نام رتبه‌ی ملک‌یصدق در عهد عتیق وجود ندارد. ملک‌یصدق ناگهان، از ناکجاآباد، در پیدایش ۱۴ ظاهر می‌شود.

او پس از شکست دادن پادشاهان و نجات لوط، با ابراهیم ملاقات می‌کند و او را کاهن خدای متعال می‌نامند. او ابراهیم را متبرک می‌کند، و ابراهیم به او یک دهم می‌دهد، همانطور که به خود خدا می‌پرداخت. او آن را به ملک‌یصدق به عنوان نماینده خدا، به عنوان کاهن خدا می‌پردازد.

خداوند قسم خورده است و نظرش را تغییر نخواهد داد؛ این یک سوگند رسمی است. این بار، کلام الهی یک سوگند است. تو تا ابد کاهن هستی، به رتبه ملک‌یصدق.

خداوند داوود به عنوان پادشاهی پیروز، در دست راست خدا نشسته است، در جایگاه افتخار و اقتدار و در جایگاهی که ظاهراً با خدا برابر است. و اکنون او همچون کاهنی در این مرتبه عجیب است. ملک‌یصدق در پیدایش ۱۴، در مزمور ۱۱۰ آیه ۴ و سپس در کتاب عبرانیان، به ویژه در فصل ۷، ظاهر می‌شود، جایی که شرح مفصلی از نام او ارائه شده است.

او پادشاه و کاهن سالیم و غیره است. پادشاه عدالت، پادشاه سالیم، کاهن خدای متعال. بنابراین، معلوم می‌شود که فرقه ملک‌یصدق، فرقه‌ای با دو کاهن است.

ملک‌یصدق و عیسی، همین. و البته، در این مزمور از نام عیسی استفاده نشده است. علاوه بر این، مضمون نبرد در آیه ۵ از سر گرفته شده است. خداوند در دست راست توست.

این با آیه ۱ متفاوت است. آیه ۱، خداوند داوود به دست راست خدا متعال است. در اینجا، خداوند، همان آدونای یا آدون، خداست، نه تترگرامتون، نه پیهوه، در دست راست داوود می‌جنگد، جایی که نقطه ضعف است، توسط کسی که، به قول ما، پشت او را دارد، دست راستش را دارد، گرفته شده، پوشیده شده است، و آن خود خداوند است، برای او می‌جنگد. او پادشاهان را در روز خشم خود، کلمه‌ای قوی، خرد خواهد کرد.

او در میان ملت‌ها داوری خواهد کرد. در اینجا، داوری بر اساس تدبیر خردمندانه نیست، بلکه داوری بر اساس کشتار دشمنان است.

و کشتار آن به این دلیل است که ملت‌ها را با اجساد، اجساد انباشته شده پر می‌کند. او سران یا مردان برجسته، سرها را بر روی زمین پهناور خرد خواهد کرد. و سپس، همانطور که قبلاً گفتیم، آیه ۷ از تجدید حیات خداوند توسط خداوند داوود در حالی که او در این نبرد قدرتمند شرکت می‌کند، سخن می‌گوید.

بنابراین، من این را به عنوان یک مزمور منحصراً مسیحایی می‌بینم، و این مشکل‌ساز است. چه معنایی برای شنونده، خوانندگان و شنوندگان در ابتدا، در زمان دادن مزمور، دارد؟ اگر این تفسیر درست باشد، پس معنایی که دارد این است که به آنها امید می‌دهد، حتی به طریقی که نمی‌توانند کاملاً درک کنند، که خدا به قوم خود سر خواهد زد، او کهانت دیگری را فراهم خواهد کرد، و او، آن که خواهد آمد، موفق خواهد شد، در دست راست خدا خواهد نشست، و به طرز شگفت‌آوری، همزمان هم پادشاه و هم کاهن خواهد بود. مطمئناً، درک این موضوع برای مقدسین عهد عتیق بیش از حد است.

و به نظر من جایی است که در اول پطرس ۱ از آن صحبت شده است، جایی که انبیا سر خود را می‌خاراندند تا شخصیت مسیح و کارهایی را که او انجام خواهد داد درک کنند، زیرا روح مسیح در درون آنها آنچه را که اتفاق خواهد افتاد، رنج‌ها و جلال مسیح را پیش‌بینی می‌کند. با این پیشینه، به مرقس ۱۲ می‌رویم، جایی که عیسی

دوباره به جایگاه اصلی خود بازگشته است. رهبران یهودی و مخالفان او به دنبال او هستند، اگرچه در اینجا عیسی ابتکار عمل را به دست می‌گیرد.

و همانطور که عیسی در معبد تعلیم می‌داد، مرقس ۱۲:۳۵، او گفت، چگونه کاتبان می‌توانند بگویند که مسیح پسر داوود است؟ خود داوود اعلام کرد، اما توجه کنید، خود داوود، در روح القدس اعلام کرد، خداوند به پروردگار من گفت، در دست راست من بنشین تا دشمنانت را زیر پایت بیندازم. عیسی می‌گوید، خود داوود او را خداوند می‌خواند، پس چگونه او پسر اوست؟ و جمعیت زیادی با خوشحالی به او گوش دادند. درک این نکته مهم است که عیسی انکار نمی‌کند که مسیح پسر و از نسل داوود است.

با این حال، او اطلاعات دیگری را اضافه می‌کند که از نظر الهیاتی، به سختی می‌توان آن را با این واقعیت که مسیح پسر و از نسل داوود است، جمع کرد. کاتبان چگونه می‌توانند بگویند که مسیح پسر داوود است؟ عیسی این را انکار نمی‌کند. او فقط می‌خواهد بداند که چگونه انسانیت مسیح با این اشاره عهد عتیق به الوهیت او مطابقت دارد.

او عمداً مخالفانش را گیج می‌کند، البته همانطور که در مورد خودش تعلیم می‌دهد، هرچند حتی این را هم نمی‌گوید. خود داوود اعلام کرد که این آیه، جای شگفت‌انگیزی است. خود داوود اعلام می‌کند که اینها سخنان داوود است، اما داوود این سخنان را به روح القدس می‌گوید.

یعنی، تحت الهام. سخنان داوود، در عین حال، سخنان روح القدس نیز هستند. آه، آنها سخنان داوود هستند؛ آنها سخنان انسانی هستند، اما سخنان الهی و انسانی هستند.

اینها همزمان کلام خدا و کلام داوود هستند. و این کلمات قابل توجه هستند. خداوند به خداوند من گفت، در دست راست من بنشین تا دشمنانت را زیر پایت بیندازم.

خداوند، یهوه، خدای آسمان، به خداوند داوود می‌گوید، او را خداوند می‌خواند و به او می‌گوید که در دست راست او بنشیند، همانطور که در تفسیر مزمور ۱۱۰ دیدیم. خداوند به خداوند من گفت، در دست راست من بنشین تا دشمنانت را زیر پایت بیندازم. داوود او را خداوند می‌خواند، عیسی می‌گوید، پس چگونه او پسر اوست؟ و مردم از دیدن اینکه عیسی رهبران یهودی را مبهوت می‌کند، شاد شدند.

در سه‌شنبه‌ی هفته‌ی مصائب، عیسی با فریسیان و هیرودیان بر سر پرداخت مالیات سرانه به قیصر مناظره می‌کند. این بحث در متن قبلی مطرح شده است. در متن قبلی، با هر عبارتی که می‌خوانم، بحث واضح‌تر می‌شود.

صدوقیان بر سر رستاخیز بحث می‌کردند و بزرگترین حکم را به آن نسبت می‌دادند. بنابراین در مرقس ۱۲، ۱۳ تا ۳۴، عیسی با فریسیان و هیرودیان بر سر پرداخت مالیات سرانه به قیصر بحث می‌کند. او با صدوقیانی که رستاخیز را انکار می‌کردند، بحث می‌کند. عیسی آن را تأیید می‌کند.

و عیسی با یک کاتب در مورد بزرگترین حکم بحث می‌کند. سپس، او یهودیان را با کلماتی که خواندیم، روبرو می‌کند. کاتب چگونه می‌تواند بگوید که مسیح پسر داوود است؟ خود داوود می‌گوید، خداوند به وسیله روح القدس به خداوند من اعلام کرد، در دست راست من بنشین تا زمانی که دشمنانت را زیر پایت بگذارم.

خود داوود او را خداوند می‌نامد. پس چگونه او می‌تواند پسر او باشد؟ عیسی دشمنانش را مبهوت می‌کند. کاتبان اذعان می‌کنند که مسیح از نسل داوود، یعنی یک انسان، خواهد بود. عیسی انسانیت مسیح را انکار نمی‌کند، اما دشمنانش را با حقیقت دیگری روبرو می‌کند.

مسیح نیز الهی است. داوود مزمور ۱۱۰ را می‌نویسد. او شرح می‌دهد که چگونه خداوند، یهوه، به پروردگار داوود، مسیح، پروردگار من، گفت که در دست راست خدا بنشینند تا زمانی که دشمنان مسیح را شکست دهد.

داوود پادشاه با الهام از روح القدس، دو شخص را به عنوان خداوند، خدا و مسیح، می‌شناسد. و همانطور که قبلاً اشاره کردیم، داوود به عنوان پادشاه، هیچ انسانی را به عنوان خداوند نمی‌شناسد. گذشته از همه اینها، او خداوند، پادشاه و مسیح بر اسرائیل بود.

عیسی استدلال را محکم می‌کند. من قبلاً اشتباه گفتم. البته، پادشاه داوود پادشاه پادشاهی متحد بود و نه فقط پادشاهی جنوبی.

این اتفاق پس از مرگ سلیمان و جدایی بین یربعام در شمال، اسرائیل، و رجبام در جنوب، یهودا، رخ می‌دهد. عذرخواهی می‌کنم. عیسی در آیه ۳۷ استدلال خود را قطعی می‌کند.

داوود، مسیح موعود را خداوند می‌نامد، اما پس چگونه او پسر داوود است؟ چگونه او می‌تواند همزمان هم انسان باشد و هم خدا؟ جمعیت عظیم از شنیدن سخنان عیسی که رهبران و معلمان یهودی را متحیر می‌کند لذت می‌برند. ما در این لذت، قلب‌ها یا انگیزه‌های آنها را قضاوت نخواهیم کرد. عیسی نویسندگی انسانی کتاب مقدس را تصدیق می‌کند.

داوود مزمور ۱۱۰ را نوشت. همانطور که عنوان مزمور می‌گوید، عیسی همچنین تألیف الهی کتاب مقدس را تعلیم می‌دهد. زیرا داوود مزمور ۱۱۰ را به وسیله روح القدس بیان می‌کند.

در روح القدس. هر دو ترجمه‌های قابل قبولی از حرف اضافه یونانی، ESV، کتاب مقدس استاندارد مسیحی هستند. می‌تواند به معنای در، می‌تواند به معنای نشان دادن، و ابزار بودن باشد en

روح القدس عاملی است که داوود به وسیله آن نوشت. ترجمه انجیل استاندارد مسیحی از یک عبارت مشابه در متی ۲۲:۴۳ این حس را به خوبی منتقل می‌کند. «پس چگونه داوود، که از روح الهام گرفته است، او را خداوند می‌خواند؟» یعنی، روح القدس تفسیری است که به یک نقل قول نزدیک می‌شود، اما آنچه را که من به عنوان آموزه واقعی آیه می‌دانم، بیان می‌کند.

پس چگونه است که داوود، با الهام از روح، او را خداوند می‌نامد؟ مزمور ۱:۱۱۰ صرفاً محصول داوود پادشاه نیست. روح القدس نیز روند نگارش را هدایت می‌کند. کتاب مقدس هم جنبه الهی و هم جنبه انسانی دارد.

متن بعدی ما در یوحنا ۱۰ است. قبلاً دیدیم که عیسی در سخنرانی خود در مورد چوپان خوب، ادعا کرد که او و پدر یکی هستند، یوحنا ۱۰:۳۰، در... آنها، در متن، در توانایی آنها در حفظ امنیت گوسفندان، در توانایی آنها در انجام کار الهی حفاظت، حفظ نجات قوم خدا. یوحنا ۱۰:۳۱، یهودیان دوباره سنگ برداشتند تا او را سنگسار کنند.

عیسی به آنها پاسخ داد: «من از جانب پدر کارهای نیک بسیاری به شما نشان داده‌ام. به خاطر کدام یک از آنها می‌خواهید مرا سنگسار کنید؟» یهودیان به او پاسخ دادند: «به خاطر کار نیک نیست که می‌خواهیم تو را سنگسار کنیم، بلکه به خاطر کفرگویی، زیرا تو انسان هستی و خود را خدا می‌دانی.» عیسی به آنها پاسخ داد مگر در شریعت شما نوشته نشده است که من گفتم شما خدایان هستید؟ «و اگر او آنها را که کلام خدا به» آنها نازل شده است، خدایان می‌نامد و کتاب مقدس نمی‌تواند باطل شود، آیا به کسی که پدر او را تقدیس

کرده و به جهان فرستاده است، کفر می‌گویید؟ چون گفتم پسر خدا هستم؟ اگر من کارهای پدرم را انجام نمی‌دهم، پس به من ایمان نیاورید.»

اما اگر آنها را انجام می‌دهم، حتی اگر به من ایمان نمی‌آورید، به اعمال ایمان آورید تا بدانید و بفهمید که پدر در من است و من در پدر هستم. باز هم، آنها خواستند او را دستگیر کنند، اما او از دست آنها فرار کرد. بار دیگر، ما یک مزمور از عهد عتیق را به عنوان پیشینه انتقادی این متن داریم و این بار مزمور ۸۲ است.

این یک متن دشوار در انجیل یوحنا است و ما باید درک کنیم که به یک معنا، عیسی طبق قوانین مخالفان خود بازی می‌کند. او تصویر کاملی از حقیقت مطلق ارائه نمی‌دهد، او هیچ دروغی نمی‌گوید، اما او طبق قوانین آنها بازی می‌کند و به اصطلاح آنها را در بازی خودشان شکست می‌دهد. اما با این کار، او شرح کاملی از شخصیت خود ارائه نمی‌دهد.

او با استفاده از متون مقدس آنها، که متون مقدس خودش هستند، آنها را مبهوت می‌کند تا نشان دهد که پسر خدا خواندن خود کفر نیست. مزمور ۸۲ کوتاه است و من می‌توانم تمام آن را بخوانم - مزمور آساف.

خدا جایگاه خود را در مشورت الهی گرفته است. در میان خدایان، گ کوچک و جمع، او قضاوت می‌کند. خدا جایگاه خود را در مشورت الهی گرفته است.

او در میان خدایان داوری می‌کند. تا به کی به ناحق داوری خواهید کرد و از شیرین جانبداری خواهید نمود؟ به داد ضعیفان و یتیمان برسید. حق ستمدیدگان و نیازمندان را ادا کنید.

ضعیفان و نیازمندان را نجات دهید. آنها را از دست شیرین رهایی دهید. شما نه دانش دارید و نه فهم.

آنها در تاریکی راه می‌روند. ببخشید. آنها نه دانشی دارند و نه درکی.

آنها در تاریکی راه می‌روند. تمام پایه‌های زمین لرزان است. من گفتم، شما خدایان هستید.

گ کوچک و دوباره جمع. پسران خدای متعال، همه شما. با این وجود، مانند مردان، شما خواهید مرد و مانند هر شاهزاده‌ای سقوط خواهید کرد.

ای خدا، برخیز و زمین را داوری کن، زیرا تو وارث همه ملت‌ها خواهی بود. در این زمینه، خدا در آسمان، در دادگاه الهی خود، در نقش خود به عنوان قاضی، از انسان‌هایی که بر روی زمین در جایگاه او ایستاده‌اند ناراضی است، و بحث‌هایی وجود دارد که آیا این انسان‌ها پادشاه هستند یا شاهزاده یا شاید قاضی، قاضی بر روی زمین، اما در هر صورت، او ناراضی است زیرا آنها عدالتی را که باید نشان نمی‌دهند. آنها نمایندگان فقیر خدا هستند زیرا ناعادلانه قضاوت می‌کنند، آیه ۲. آنها از شیرین، احتمالاً ثروتمندان شرور، که به آنها رشوه می‌دهند، جانبداری می‌کنند.

و خداوند به آنها دستور می‌دهد که به داد ضعیفان و یتیمان برسند، حقوق ستمدیدگان و بی‌بضاعتان را رعایت کنند، ضعیفان و نیازمندان را نجات دهند، آنها را از دست شیرین رهایی بخشند، کاری که این قضات یا حاکمان انجام نمی‌دهند. او فقط انسان‌های شروری را که به نام او حکومت می‌کنند و به ناحق حکم صادر می‌کنند، مورد انتقاد قرار می‌دهد. او آنها را خدا می‌نامد.

در آیه ۶ گفتم، شما خدایان، پسران خدای متعال هستید، همه شما. این به نظر من شبیه پادشاهان است اما می‌دانم که بین محققان عهد عتیق بحث وجود دارد، و متکلمان باید فروتن باشند و به متخصصان هر دو

عهد گوش دهند. با این وجود، مانند انسان‌ها، شما نیز مانند هر شاهزاده‌ای خواهید مرد و سقوط خواهید کرد.

ای خدا، برخیز و زمین را داوری کن، زیرا تو وارث همه ملت‌ها خواهی بود. پیروی از اندیشه عیسی در اینجا آسان نیست. بار دیگر، او ادعایی کامل و مطلق نمی‌کند، بلکه طبق قوانین یهودیان عمل می‌کند و عهد عتیق را به شیوه‌ای تفسیر می‌کند که مورد تأیید آنها باشد و بدین ترتیب دوباره آنها را گنج می‌کند.

عیسی در پایان سخنرانی چوپان خوب ادعا می‌کند که او و پدر در حفظ امنیت قوم خدا یکی هستند. یهودیان در پاسخ سنگ‌هایی برداشتند تا او را سنگسار کنند. عیسی از آنها می‌پرسد که به خاطر کدام یک از کارهای نیک فراوانش از جانب پدر، می‌خواهند او را سنگسار کنند، آیه ۳۲.

آنها پاسخ می‌دهند که او را نه به خاطر اعمال نیک، بلکه به خاطر کفرگویی سنگسار می‌کنند، زیرا او، به عنوان یک انسان، خود را با خدا برابر می‌کند، آیه ۳۳. سپس عیسی از یک استدلال عهد عتیق استفاده می‌کند تا نشان دهد که او گناهکار کفرگویی نیست. او به مزمور ۸۲ استناد می‌کند، جایی که خداوند، حاکمان شرور بنی‌اسرائیل را به خاطر رفتار نادرست با طرفداری از شریکان و سوءاستفاده از فقرا و نیازمندان سرزنش می‌کند.

خداوند به آنها یادآوری می‌کند که او داور آنها در آسمان است و آنها خواهند مرد. با این وجود، خداوند آنها را خدایان کوچک می‌نامد، زیرا آنها در جای او بر روی زمین می‌ایستند و عدالت را برای هموعان خود اجرا می‌کنند. من از تفسیر آلن پی. راس بر مزامیر، جلد ۲، صفحات ۵ تا ۲۶، بهره برده‌ام.

عیسی از یک استدلال یهودی، از سخت‌ترین به آسان‌ترین، استفاده می‌کند. ما هنوز هم از این استدلال استفاده می‌کنیم، اما یهودیان قبل از او نیز از آن استفاده می‌کردند. اگر چیز دشوارتر درست باشد، اینکه خدا انسان‌های صرف را خدا می‌خواند، پس چیز آسان‌تر نیز درست است، اینکه عیسی را می‌توان پسر خدا نامید.

این استدلال از بزرگتر به کوچکتر، یا به طور فنی‌تر، به طور خاص‌تر، از سخت‌تر به آسان‌تر است. استدلال به این شکل پیش می‌رود، و عیسی نیز به عنوان مثال در خطبه بالای کوه از همین استدلال استفاده می‌کند. اگر خدا کار سخت‌تر را انجام دهد، در خطبه بالای کوه کار آسان‌تر را انجام خواهد داد.

اگر خدا به شما بدن و سلامتی می‌دهد، آیا لباسی برای پوشاندن بدن به شما نمی‌دهد؟ در اینجا، اگر خدا انسان‌های صرف، حاکمان یا داوران، داوران زمینی را خدایان می‌نامد، برای عیسی چیز کمتری است که خود را پسر خدا بنامد. این کار آسان‌تر است. غم و اندوه بزرگی است.

اگر مسئله‌ی دشوارتر درست باشد، اینکه خدا انسان‌های صرف را خدا می‌نامد، پس مسئله‌ی آسان‌تر نیز درست است، اینکه خدا عیسی را پسر خدا می‌نامد. همانطور که قبلاً گفتم، این یک آموزه‌ی تمام‌عیار در مورد الوهیت مسیح نیست، اما او با باز کردن کلام خدا، آنها را به چالش می‌کشد. بنابراین او تمام آنچه را که در مورد خودش درست است، ادعا نمی‌کند، اما مطمئناً تلاش آنها را برای متهم کردن خود به کفرگویی خنثی می‌کند.

در نگاه اول، به نظر نمی‌رسد که عیسی ادعای الوهیت داشته باشد، اما با بررسی دقیق‌تر، می‌بینیم که او از وجود پیشین و تجسم خود صحبت می‌کند، وقتی از کسی که پدر جدا کرد و به جهان فرستاد، نام می‌برد. در واقع، به نوعی اتفاقاً، او الوهیت خود را آموزش می‌دهد. یوحنا 10:36، آیا شما در مورد کسی که پدر تقدیس کرد و به جهان فرستاد، می‌گویید؟ پسر خدا قبل از تولدش در بیت لحم وجود داشت.

او از پیش وجود داشته است. او تقدیس شده و به جهان فرستاده شده است. بنابراین او الهی است.

تمرکز این نیست. تمرکز این است که آنها را در دام خودشان گرفتار کنیم، از کتاب مقدس به شیوه‌هایی استدلال کنیم که نتوانند به آنها پاسخ دهند. اما با این کار، او تلویحاً می‌گوید، و این روش خوبی برای بیان آن است، یعنی الوهیتش.

عیسی وقتی اعلام می‌کند که خداست، به عهد عتیق معتبر اشاره می‌کند. کتاب مقدس نمی‌تواند شکسته شود، آیه ۳۵. او با اشاره به شریعت یهود در آیه ۳۴، سرخی برای تفسیر کلمه شکسته ارائه می‌دهد.

مگر در شریعت شما نوشته نشده که من گفتم شما از آن خدا هستید؟ عیسی به کتب عهد عتیق و مزامیر اشاره می‌کند، نه به اسفار پنجگانه، به عنوان شریعت. عیسی با اشاره به شریعت یهود در آیه ۳۴ و نقل قول از «مزمور ۸۲ در آیه ۳۵، سرخی برای تفسیر کلمه «شکسته» در عبارت «کتاب مقدس نمی‌تواند شکسته شود» ارائه می‌دهد. عیسی از شریعت به معنای واقعی کلمه، یعنی پنج کتاب موسی، نقل قول نمی‌کند.

او برای اثبات حق خود برای پسر خدا نامیده شدن، به مزبور استناد می‌کند. عیسی کل عهد عتیق را به اصطلاح، قانون می‌داند و به همین دلیل، هیچ بخشی از آن را نمی‌توان نقض کرد. نقض در اینجا به معنای لغو یا کنار گذاشتن جزئی است، گویی اعتبار کمی دارد.

بنابراین عیسی تعلیم می‌دهد که تمام عهد عتیق به معنای معتبر بودن، شریعت است. عیسی همچنین عهد عتیق را الهام گرفته از خدا می‌داند. او آن را به عنوان مرجعی از جانب خدا می‌داند که قادر به حل و فصل اختلافات الهیاتی است.

تأیید عیسی بر مرجعیت عهد عتیق، به الهامی بودن آن اشاره دارد. تنها دلیلی که برای الهیات، مرجعیت دارد. تا بحث‌هایی مانند بحثی که او با رهبران یهودی دارد را حل و فصل کند، این است که کلام الهامی خداست. عیسی اغلب به طور خاص از الهام عهد عتیق صحبت نمی‌کند، اما در بسیاری از عبارات نشان می‌دهد که آن را کلام خدا می‌داند.

یک کتاب واقعاً مهم در اینجا، کتاب «مسیح و کتاب مقدس» اثر جان ونهام است. این کتاب اکنون به چاپ سوم رسیده است و جان ونهام به دیدار خداوند رفته است. با این حال، دو پسر او، یکی محقق عهد عتیق و دیگری محقق عهد جدید، به نام پدرشان به کار نیک ادامه می‌دهند.

جان ونهام دیدگاه عیسی در مورد کتاب مقدس را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که او با آن به عنوان کتابی که از نظر تاریخی دقیق، برای الهیات و اخلاق معتبر و به صورت وحی الهام گرفته از جانب خداست، برخورد می‌کند. عیسی خود را تسلیم آن می‌کند و در طول زندگی زمینی خود از آن اطاعت می‌کند. خلاصه ونهام ارزش تکرار دارد، و من از کتاب مسیح و کتاب مقدس، نوشته جان ونهام، نقل قول می‌کنم: «برای مسیح، عهد عتیق درست، معتبر و الهام‌بخش بود. برای او، خدای عهد عتیق خدای زنده بود. و آموزه‌های عهد عتیق، آموزه‌های یک خدای زنده بود. برای او، آنچه کتاب مقدس می‌گفت، خدا می‌گفت علاوه بر این، برای مسیح، آموزه‌های خودش و آموزه‌های روحی که به حواریون آموخته بود، درست، معتبر و الهام‌بخش بودند.»

آنچه او گفت، آنها گفتند، تحت هدایت روح، خدا گفت. آنچه او و آنها گفتند، تحت هدایت روح، خدا گفت. برای او، خدای عهد جدید، خدای زنده بود، و در اصل، آموزه‌های عهد جدید، آموزه‌های خدای زنده بود.

بنابراین، ما در مرقس ۱۲ دیدیم که عیسی در مورد مزمور ۱۱۰ به عنوان سخنی از جانب داوود صحبت می‌کند، وقتی داوود سخن گفت، او توسط روح القدس یا در روح القدس سخن گفت، و در اینجا عیسی می‌گوید که کتاب مقدس نمی‌تواند نقض شود، و اعتبار آن را تأیید می‌کند، زیرا تلویحاً می‌گوید که این همان کلام خداست. در سخنرانی بعدی خود، به مطالعه برخی از این متون کلیدی ادامه خواهیم داد و آموزه کتاب مقدس را به عنوان وحی خاص معرفی خواهیم کرد.

این دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد مکاشفه و کتاب مقدس است. این جلسه ۱۴، مکاشفه خاص در عهد جدید، کتاب مقدس است. متون کلیدی، مرقس ۱۲:۳۵-۳۷، و یوحنا ۱۰:۳۵